

« آدمها گاهی اوقات گریه می‌کنند، نه به خاطر این‌که ضعیف هستند، بلکه به این خاطر که، برای مدتی طو لنی قوی بوده اند»

(هرتامولر)

فرزاد مجیدپور

ادامه‌ی قبل

بحث چهارم - بخش پنج و پایانی.

(پارچه‌ها و جزیره‌های « سازمان جوانان مترقی افغانستان » و « جریان شعله‌ی جاوید»)  
اشاره به بحث قبلی و چهار بخش بحث کنونی - یکی پی‌دیگر مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفت و هنوز جای واکاوی درباره هر یک از آن بحث‌ها و بخش‌های یاد شده باقیست. در ادامه، بخش پنج - بحث چهارم، خدمت علاقمندان ارائه می‌گردد. همزمان نظرات تبدیلی و تکمیلی خوانندگان محترم، را در مورد خواهانیم، امید داشته‌های خویش را بزرگان، از ما، دریغ نه ورزند.

اصل مطلب:- در مطابقت با قانون اساسی سال 1343 خورشیدی حلقات سیاسی چند، از جمله « سازمان جوانان مترقی...»، سال 1344 خ توسط عده‌ی از پیشگامان و آگاهان کشور، ایجاد گردید. سازمان مذکور نشریه‌ی را زیر نام « شعله‌ی جاوید» در سال 1347 خ نشر نمود. این سازمان به همین نام « شعله‌ی جاوید » شناخته شد. دیری نگذشت، این جریان ( شعله‌ی جاوید )، مانند سایر تشکیلات‌های راستی، میانه و چپی دیگر کشور، مسیر انشعاب‌ها، ائتلاف‌ها و وحدت‌های لرزان، شکننده و کوتاه مدت را تجربه کرد. از جمله، دو تشکل نسبتاً نیرومندتر ( « گروه انقلابی... » یا سازمان رهایی ) و « سازمان آزادیبخش مردم افغانستان » ( ساما )، در برابر دو نیروی متخاصم داخلی ( رژیم کابل و تنظیم‌های جهادی ) و همکاران بین‌المللی آن‌ها ( اتحاد جماهیر شوروی، ایا لت متحده امریکا و همکاران منطقه‌ی و جهانی این دو ) به شدت جنگید و با از دست دادن بخش بزرگی از اعضای رهبری، کادرها و سپاهیان رزمی خویش ( یا در زندان‌های رژیم کابل و یا در نبردهای رو در رو در جبهات جنگ ) دچار انشعاب‌های پی‌هم گردیدند. از این همه جزایر و تیکه پاره های جدا شده و منشعب گردیده، اندکی در داخل افغانستان، فعال باقی ماند و متباقی در برون از کشور به شکلی از اشکال در رسانه‌های الکتریکی حضور کم‌رنگ خود را حفظ کردند. ضمن بحث‌ها و تحلیل‌ها پیرامون افغانستان، منطقه و جهان - زیادی از آن‌ها علیه یکدیگر ( خودی )، از شمشیر زبان و قلم کار گرفته و از هیچ نوع ناسزا گوی دریغ نورزیدند. علیه‌ی خارج از خودی‌ها چه نوشتند و قلم زدند - باشد در جایش، چون ذکرش لزوم نیست. این‌ها - هر یک، با خیا لت خود غرق و سرگردان بوده و به تفکرات کتابی خویش، بسیار عشق می‌ورزند. شماری از آن‌ها، خود در کشورهای اروپایی، کانادا و آمریکا زیست دارند و کم - بیش به فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی رسانه‌ی مشغول اند. اما فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی جزایر نوع خود را در داخل افغانستان، زیر سایه‌ی قوت‌های امریکایی، کانادایی و اروپایی جرم و جنایت ( خیانت ) شمرده، مگر فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خود، را در داخل کشورهای اروپایی، امریکا و کانادا، مبارزه و پیکار انقلابی می‌شمارند. این نوع حکم و قضاوت، ضرب المثلی را به یاد می‌آورد: ( دیگ - دیگچه را گفته بود، رویت سیاه است؟! ) ممکن در میان آن‌ها، متعادلترین اش « بخشی از شورای دموکراسی » به رهبری دکتر رسول رحیم باشد... که جناب دکتر رنگین دادفر سینتا از این بخش برید و راه و رسم حامد کرزی، را انتخاب کرد ... صرف نظر از علت‌ها و دلیل انشعاب‌های مکرر در « جریان شعله‌ی جاوید »، « سازمان مترقی جوانان » و تشکلهای بعدی جدا شده از این دو و در تداوم انشعابات بعدی، این‌که کدام یک ذیحق بوده و یا خیر؟ و صرف نظر از ذکر تاریخ و تسلسل زمانی ( انشعابات، ائتلاف‌ها و وحدت‌های آن‌ها ) همچنان اسم رهبران هریک از آن‌ها، که - کم نیستند، شماری از تشکیلات‌های یاد شده را فهرست می‌کنیم: 1- گروه « پس منظر... ». 2- « گروه انقلابی خلق‌های افغانستان - سازمان رهایی ». 3- « جمعیت انقلابی زنان افغانستان » یا « راوا » ( جناح زنان گروه انقلابی... - سازمان رهایی ). 4- « سازمان آزادیبخش مردم افغانستان » ( ساما ). 5- « بخشی اروپایی - سازمان رهایی ». 6- « شورای دموکراسی افغانستان ». 7- « بخشی شورای دموکراسی افغانستان ». 8- « سازمان انقلابی افغانستان ». 9- « حزب همبستگی افغانستان ». 10- « گروه پیشگام افغانستان ». 11- « ساما - آرمان رنجبران ». 12- « ساما - محفل جوانان مترقی ». 13- « سازمان انقلابی وطن پرستان واقعی ». 14- « جنبش انقلابی آزادی افغانستان ». 15- « سازمان رهایی بخش خلق‌های افغانستان ».

16 - « حزب کمونیست ( مائوئیست ) افغانستان » . 17 - « تشکیلات مائوئیست های افغانستان » . 18 - « سازمان کارگران افغانستان » . 19 - « جنبش انقلابی جوانان افغانستان » . 20 - « هسته کارگری مبارز افغانستان » - 21 . سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان » . 22 - « ساما - بخش هرات » . 23 - « گروه مبارزین نجات افغانستان » . 24 - « ساما - جناح انقلابی » . 25 - « محفل جوانان مترقی افغانستان » . 26 - « مبارزین راه آزادی مردم افغانستان » . 27 - « ساما - بخش غرستان » . 28 - « جبهه دموکراتیک رهایی بخش خلق های افغانستان » . 29 - تازه اندیشیان » . 30 - « گروه نظامی سخی - نیزک » . 31 - « جناح متحد رهبری - ساما » . 32 - « هواداران جنبش انقلابی مردم افغانستان » . 33 - « هسته کمونیست های افغانستان » . 34 - « ساما - ادامه دهندگان » . 35 - « هواداران جنبش انقلابی مردم افغانستان » . 36 - « سازمان پیکار برای نجات افغانستان » . 37 - « سازمان مبارزه در راه تشکیل حزب کمونیست افغانستان » . 38 - « هسته انقلابی کمونیست ها افغانستان » . 39 - « محفل عبدالله رستاخیز » . 40 - « هواداران جنبش دموکراتیک افغانستان » . 41 - « جبهه متحد ضد امپریالیزم و ارتجاع افغانستان » . 42 - « سازمان روشن گران افغانستان » . 43 - « گروه رزمندگان افغانستان » . 44 - « رهروان - ساما » . 45 - « سازمان مجاهدین افغانستان » . 46 - « حزب نجات افغانستان » . 47 - « اتحاد مارکسیست - لنینیست های افغانستان ... » نه تنها دستجات بقایایی « سازمان جوانان مترقی افغانستان » و « جریان شعله‌ی جاوید » ، به جزایر کوچک و کوچکترها تقسیم گردید، بلکه افرادی منسوب به آن‌ها نظر به توان، استعداد، به فعالیت‌های مورد نظر خویش ادامه داد. از جمله به کارکردهای یک تن، از آن‌ها بنام فضل احمد با تخلص « فنائی » و با نام مستعار عبدالرحمن می پردازیم: موصوف اصلاً از نورستان و زاده شهر کابل بوده، بعد فراغت از دانشکده طب کابل، در تعمیر سینما پامیر، با لوحه‌ی ( دکتور فضل احمد فنائی ) به معاینه و تدایوی مریضان می پرداخت. موصوف به « جریان شعله جاوید » تعلق داشت، به کمک عبدالقدیر « نورستانی » ، در حزب « غورزنگ ملی » محمد داود، راه یافت و از این طریق کمکی از دست اش پوره بود به افراد مربوط به « جریان شعله‌ی جاوید » دروغ نوزید. « فنائی » بعد از کودتای 7 ثور سال 1357 خ حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به کشور ایران پناه برد و مدتی آنجا اقامت گزید. در پی مهاجرت‌های فردی و گروهی مردم، از افغانستان به کشورهای پاکستان و ایران و همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی امام « خمینی » در ایران با گروه های جدا شده از بدنه‌ی جمعیت اسلامی و حزب اسلامی، تشکیلی را بنام « الحدید » ایجاد کرده بودند، شامل گردید. در این تشکل، پیروان علی شریعتی نیز جا خوش کرده بود. « فنائی » بنا به نام‌لایمات و ناسازگاری های که در محیط ایران برایش پیدا شد به کشور پاکستان سفر کرد .مدتی آنجا مستقر گردید. چون در پاکستان میان برخی از اعضای تنظیم‌های جهادی چهره آشنا بود، عرصه را برای خود تنگ یافت، راه دیگر را جستجو و انتخاب نمود و با مقداری ادویه و وسایل طبی کمکی « سازمان های خیریه اروپایی » ، پاکستان را به سوی دره پنجشیر ( آنوقت علاقداری ) ترک گفت. در آنجا مورد استقبال فرمانده احمدشاه مسعود قرار گرفت... به پیشنهاد عبدالرحمن، « شورای نظار » در چوکات « جمعیت اسلامی » ایجاد گردید. به گفته برخی از آگاهان امور عبدالرحمن ، آمریت « شورای نظار » را همزمان با تاسیس به عهده داشت .اما در اثر ناخشنودی و ناراحتی برخی از نزدیکان فرمانده مسعود، آمریت « شورا نظار » مستقیم به فرمانده مسعود، تعلق گرفت. مگر دکتر عبدالرحمن، نزد زیادی از شخصیت‌ها - منحصیث مغز متفکر « شورای نظار » به حساب می آمد... از طریق عبدالرحمن و از مجرای « غند صمد سنگی » در ولسوالی سرای خوجه شمالی -رابط « شورای نظار » با شورشیان صفحات شمال کشور، در زمان حاکمیت دکتر نجیب الله، چون: جنرال مومین، جنرال دوستم، جنرال حسام الدین و دیگران و برعکس آن، صورت گرفت و برقرار گردید. همچنان به گفته‌ی برخی منابع، به ابتکار عبدالرحمن و در اثر پافشاری شورای ننگرها، اسامه بن لدن، از سودان ذریعه طیاره آریانا - افغانستان در زمان ریاست جمهوری استاد « ربانی » به ابتکار و توسط عبدالرحمن، در ماه می سال 1996 م از خرطوم پایتخت کشور سودان، به شهر جلال آباد مرکز و لیت ننگرها افغانستان انتقال گردید. به قولی در اثر تلاش‌های بی وقفه و مکرر استاد برهان الدین « ربانی » ، مناسبات بین فرمانده مسعود و عبدالرحمن تیره گردید .بعد سقوط کابل بدست طالبان، عبدالرحمن، فرمانده مسعود را ترک کرد و با سقوط طالبان ( در سال 2001 م ) بنا به رابطه‌ی که عبدالرحمن با گروه محمد ظاهر شاه تاملین کرده بود، توانست وارد اولین کابینه حامد کرزی گردید. سرانجام و طبق روایات متعدد، دکتر عبدالرحمن، برای دعا و فاتحه به قبر، یار دیرین خود فرمانده مسعود به پنجشیر نرفت. کینه قبلی اطرافیان فرمانده مسعود در داخل « شورای نظار » و عدم دعا خوانی بر روح فرمانده مسعود، شاید دلیل دیگر دست به دست هم داد و در روز روشن، در میدان هوایی کابل در صف حاجی‌های بی شمار، عبدالرحمن وزیر هوانوردی کشور، توسط چاقو بگونه‌ی سازماندهی شده و بی رحمانه به قتل رسید. تا کنون دوسیه او مانند بسیار دوسیه‌های قتل‌های زنجیره‌ی دیگر، در انبار فراموشی قرار دارد .به گفته‌ی ناظرین، قتل عبدالرحمن باعث شد تا حامد کرزی، در خلوت اشک ریزد و خود را تنها و ناتوان یابد...

(تشنگان راه حقیقت و واقعیت...)

www.goftaman.com

ایمیل – فرزاد مجیدپور: [majidpoor2@gmail.com](mailto:majidpoor2@gmail.com)